

پرسش نخست

چرا خدای حکیم و عادل همه مخلوقات را یکسان نیافریده است؟ چرا یکی سفید و دیگری سیاه، یکی زشت و دیگری زیبا، یکی سالم و دیگری ناتوان است؟



پاسخ



آنچه در خلقت وجود دارد «تفاوت» است نه «تبعیض»؛ تبعیض این است که در شرایط مساوی و استحقاق های مساوی میان موجودات فرق گذاشته شود، ولی تفاوت آن است که در شرایط نامساوی تفاوت گذاشته شود. به دیگر سخن، تبعیض از ناحیه دهنده است و تفاوت مربوط به گیرنده. آنچه ناپسند است تبعیض می باشد نه تفاوت .



فلسفه تفاوت



ایجاد هر نظامی اعم از اعتباری و تکوینی مستلزم وجود تفاوت است، اما در نظام‌های اعتباری؛ مانند سیستم‌های اجتماعی و سیاسی، تفاوت‌ها وضعی و قراردادی است، ولی در نظام‌های تکوینی مانند جهان خلقت، تفاوت‌ها ذاتی و طبیعی است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ
اِخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» و از نشانه‌های [قدرت]
او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شما است.
قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه‌هایی است.

تفاوت موجودات، ذاتی آنها بوده و لازمه نظام علت و معلول است. مثلاً فردی که از شخصی «الف» متولد می شود، از جهاتی تابع اوضاع داخلی و خارجی او خواهد بود مانند کیفیت ژن ها و وراثت، آب و هوا و محیط زندگی، نحوه آمیزش و زمان و مکان، کیفیت غذاها و هزاران عامل دیگر. فرزندی که از «ب» متولد می شود، به همین سان است. در این گونه موارد فرق گذاشتن عین عدالت و مساوات و فرق نگذاشتن عین تبعیض و ظلم است.

البته خداوند به کمبودهایی که از طرف شخص نبوده، بلکه از عوامل دیگر ایجاد شده، توجه نموده و آنها را به گونه ای جبران می نماید. سنخیت و هماهنگی علت و معلول، ایجاب می کند که اگر علت تولد نوزاد کور یا کودن، محقق گردید، معلول متناسب با آن نیز - که همان تولد انسانی کور یا کودن است - موجود گردد

بعضی از عواملی که در خُلق و خُلق افراد تأثیرات شگرفی دارند اشاره می شود :
الف) تغذیه: چه بسا غذاهایی موجب لطافت نطفه گردند و آن را برای قبول فیض و کمالاتِ وجودی، مستعد سازند و از آن سو، غذاهایی موجب کدورت و ظلمتِ وجودی در نطفه شوند.

ب) اصلاّب پدران و ارحام مادران: این دو از جهات مختلف، موجب تفاوتِ خلقی و خلقی در اولاد می‌شوند. طهارت و پاکی، شادی و غم، گرفتگی مزاج و صحت و سلامت جسمی و روحی پدر و مادر، همه و همه در خلقت اولاد دخیل‌اند.
ج) شیر مادر: بعد از تولد نوزاد، نوع و کیفیت شیری که طفل از مادر می‌خورد و هم‌چنین غذاهایی که بعد از دوران شیرخوارگی استفاده می‌کند، در وجود و خصوصیات او بسیار مؤثر است.

د) محیط: محیط و فضای رشد و پرورش کودک، در به ثمر رسیدن استعدادها و چگونگی آن مؤثر است؛
البته آن چه گفته شد، هرگز به معنای جبر نیست؛ زیرا حرفِ آخر را اراده خود انسان می‌زند. موارد فوق، صرفاً در زمینه و بستر اختلافاتِ خلقی و خلقی است.

چرا من ناقص آفریده شدم و دیگری کامل؟ چرا کار بر عکس نشده است؟

به این سؤال چند گونه پاسخ می‌توان داد:

اولاً هیچ کس را قبل از آفرینش، حقی بر خدا نیست که او را چنین یا چنان بیافریند و یا در این آن مکان و در این یا آن زمان قرار دهد تا جایی برای عدل و ظلم داشته باشد؛ به تعبیر قرآن مجید: "لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ"؛ (سوره انبیاء، آیه ۲۳) "او در آنچه می‌کند باز خواست نمی‌شود و انسان‌ها باز خواست می‌شوند".

ثانیاً هر موجودی از موجودات، به مقدار ظرفیت و امکان، حقّ خود را دریافت کرده است. این چنین نبوده که قبلاً همه اشیا یا انسان‌ها یک‌نواخت بوده‌اند و خدا بین آنها اختلاف برقرار ساخته است. نباید پنداشت که اشیا می‌توانستند صفتی به گونه‌ای دیگر - بهتر یا بدتر از اینکه دارند - داشته باشند و خداوند این گونه به خصوص را علی‌رغم آن امکانات برگزیده است. قرآن این مطلب را با یک تمثیل لطیف بسیار عالی یعنی مثال باران و نهر بیان می‌کند: "أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِهٖ قَدَرُهَا" خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد و هر رودخانه‌ای به قدرت ظرفیت خودش سیلان یافت". سوره رعد، آیه ۱۷

هر ظرفی به قدر گنجایش خود از رحمت خدا لبریز می‌گردد و اختلاف ظرفیت‌ها، ناشی از مصلحت و حکمت الهی است که آن هم مبتنی بر سنت‌های الهی و روابط ضروری میان علل و معلول‌ها است

چرا من ناقص آفریده شدم و دیگری کامل؟ چرا کار بر عکس نشده است؟

به این سؤال چند گونه پاسخ می‌توان داد:

اولاً هیچ کس را قبل از آفرینش، حقی بر خدا نیست که او را چنین یا چنان بیافریند و یا در این آن مکان و در این یا آن زمان قرار دهد تا جایی برای عدل و ظلم داشته باشد؛ به تعبیر قرآن مجید: "لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ"؛ (سوره انبیاء، آیه ۲۳) "او در آنچه می‌کند باز خواست نمی‌شود و انسان‌ها باز خواست می‌شوند".

ثانیاً هر موجودی از موجودات، به مقدار ظرفیت و امکان، حقّ خود را دریافت کرده است. این چنین نبوده که قبلاً همه اشیا یا انسان‌ها یک‌نواخت بوده‌اند و خدا بین آنها اختلاف برقرار ساخته است.

نباید پنداشت که اشیا می‌توانستند صفتی به گونه‌ای دیگر - بهتر یا بدتر از اینکه دارند - داشته باشند و خداوند این گونه به خصوص را علی‌رغم آن امکانات برگزیده است. قرآن این مطلب را با یک تمثیل لطیف بسیار عالی یعنی مثال باران و نهر بیان می‌کند: "أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِهَ قَدَرِهَا" خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد و هر رودخانه‌ای به قدرت ظرفیت خودش سیلان یافت". سوره رعد، آیه ۱۷

هر ظرفی به قدر گنجایش خود از رحمت خدا لبریز می‌گردد و اختلاف ظرفیت‌ها، ناشی از مصلحت و حکمت الهی است که آن هم مبتنی بر سنت‌های الهی و روابط ضروری میان علل و معلول‌ها است



۲. چرا خداوند نتیجه زندگی انسانها را مرگ قرار داده است؟

مرگ، نیستی و فنا نیست بلکه تولد جدید در عالم جدید است. مرگ انتقال از این عالم به عالم دیگر است. این خود نوعی زندگی است قرآن کریم، از «مرگ» تعبیر به «توفی» دارد نه «فوت». و وفات به معنای گرفتن کامل شیء است؛ یعنی ملک موکل موت، از طرف پروردگار عالم، هنگام مرگ، می آید و روح را کاملاً از بدن می گیرد. امام حسین(ع) می فرماید: مرگ برای شما همانند پلی است که از محیط رنج و زحمت عبورتان می دهد و به بهشت وسیع و نعمت هایش می رساند.



۳. عذاب ابدی چگونه با عدل الهی سازگار است؟

درباره کیفر جرم انگیزه هایی ذکر شده است:

- ۱- تشفی خاطر؛ مثل آن که مظلوم برای عقده خالی کردن اجرا می کند.
 - ۲- تربیت و اصلاح شخص مجرم؛ مثل تأدیب دانش آموز تنبل.
 - ۳- اصلاح اجتماعی؛ مثل اعدام به جهت عبرت گرفتن.
 - ۴- احقاق حق؛ مثل دفاع شخص ثالث از حق مظلومی که قادر بر آن نیست.
 - ۵- پیشگیری؛ که گاهی تنها به جهت جلوگیری از جنایت بزرگ تر شخصی مجازات می شود.
- در مورد عذاب اخروی از ناحیه خداوند، هیچ کدام صدق نمی کند در نتیجه این انگیزه ها نمی تواند توجیه کننده عذاب اخروی باشد.



آنچه در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می شود تجسم خود عمل آنها است .
خداوند متعال می فرماید: «لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» امروز عذرخواهی نکنید، چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید .

و نیز می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند و هر کس هم وزن ذره ای کار بد کرده آن را می بیند).
و می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، [در حقیقت] تنها آتش می خورند.



۴. ثواب بزرگی در مقابل اعمال کوچک چگونه با عدل الهی سازگار است؟

تمام کسانی (نه یک گروه خاص) که اعمال حسنه بجا آورند، و به رحمت او باورمند باشند، مشمول این تفضل خواهند شد، و این خود نه تنها ظلم نیست، بلکه عدالت در تفضل و تنعم است.



۵. آیا چشم‌پوشی و صرف نظر از
گناهان از طریق شفاعت، با عدالت
ذات مقدس خداوندی همخوانی و
همگونی دارد؟



پاسخ

اولاشفاعت امری بی مبنا و غیر حکیمانه نیست بلکه
شرائط و ضوابط دارد.
ثانیا تمام انسانها با ویژگیهای خاص می توانند
مشمول شفاعت اولیا و مقربان الهی گردند و هیچگونه
تبعیض و تفاوتی در این باره وجود ندارد.

پرسش ۶

برخی افراد گاه پس از یک عمر ارتکاب
معصیت و گناه با توبه پاک می شوند این
با عدل الهی منافات ندارد؟



پاسخ

اولاً صرف توبه لفظی بدون التزام و پایبندی به ارکان مربوط به آن، توبه حقیقی تلقی نمی شود.
ثانیاً پذیرش توبه گناهکاران با رعایت شرایط و ویژگی‌های خاص عمومیت داشته و اختصاص به گروهی خاص ندارد، از این رو شائبه هر گونه بی‌عدالتی نیز مرتفع خواهد شد.